



مقایسه نقش میرزا عبدالرحیم طالبوف تبریزی و میرزا یوسف خان مستشارالدوله

در نهضت مشروطه

روح الله طاهرنیا^۱

چکیده:

یکی از نیروهای سیاسی- اجتماعی جامعه ایرانی که در نهضت مشروطیت نقش داشتند و مسائل سیاسی و نظام سیاسی وقت را مورد توجه قرار دادند، روشنفکران بودند. آنان در آغاز نظام سیاسی را مورد انتقاد قرار داده و پس از آن راه‌حلهایی پیشنهاد نمودند. محور عمده اندیشه‌های این روشنفکران، دموکراسی و تقبیح خودکامگی بود. به بیان دیگر تقاضای محوری روشنفکران تامین امنیت زندگی و جان و مال همگان از خودکامگی نامحدود و غیر قابل پیش بینی حکومت قاجار بود. به طور کلی روشنفکران خواستار حکومتی بودند که در آن اعمال گسترده قدرت مطلق و خودکامه نامطمئن باشد. نمایندگان انتخابی مردم، مسئولان اجرایی را منصوب و فعالیت‌های آنها را کنترل و تعدیل کنند و وزارت عدلیه نهادی مستقل باشد و در چارچوب قوانین جنایی و مدنی عمل کند. تفاوت نقش میرزا عبدالرحیم طالبوف تبریزی و میرزا یوسف خان مستشارالدوله در نهضت مشروطه در بیدار نمودن مردم چه بود؟ پرداختن به تفاوت نقش طالبوف تبریزی و مستشارالدوله در بیدار نمودن مردم در دوره قاجار و بویژه نهضت مشروطه، روش تحقیق در این پژوهش، از نوع تاریخی، توصیفی- تحلیلی است. یافته‌ها و نتایج پژوهش عبارت است از روش‌هایی که میرزا عبدالرحیم طالبوف تبریزی و میرزا یوسف خان مستشارالدوله به کار بردند تا به نهضت مشروطه کمک نمایند.

واژگان اصلی: میرزا عبدالرحیم طالبوف تبریزی، میرزا یوسف خان مستشارالدوله، روشنفکران، نهضت مشروطه.

مقدمه

نهضت مشروطه یکی از مهمترین جنبش‌های تاریخ معاصر ایران است و الهام بخش سایر جنبش‌های ایران و خاورمیانه است که از نظر تأثیرگذاری بر سیاست و فرهنگ ایران به عنوان نقطه عطف در تاریخ معاصر ایران به حساب می‌آید. این جنبش محصول نیروهای سیاسی-اجتماعی جامعه ایران در دوره قاجار بود و یکی از نیروهای سیاسی-اجتماعی جامعه ایران که در نهضت مشروطه نقش داشت، روشنفکران بودند. از میان این روشنفکران می‌توان به میرزا عبدالرحیم طالبوف تبریزی و میرزا یوسف خان مستشارالدوله اشاره نمود که نقش مهمی را در نهضت مشروطه ایفا نمودند. نگارنده در این مقاله سعی دارد تا به این سوال بپردازد که تفاوت نقش میرزا عبدالرحیم طالبوف تبریزی و میرزا یوسف خان مستشارالدوله در نهضت مشروطه چه بود؟

در دوره قاجار برخی روشنفکران از بدنه حکومت بودند و با توجه به نفع شخصی خود و با توجه به اختلافاتی که با حکومت قاجار پیدا نمودند، وارد جریان نهضت مشروطه شدند. برخی به عنوان جریان روشنفکری، در روزنامه‌ها در نقش سردبیر و روزنامه نگار، شاعر و مترجم، استاد، معلم و صاحبان مشاغل تخصصی (پزشکان و مهندسان) و بعضی از اعضای دیوانسالاری به انحاء مختلف در نهضت مشروطه نقش داشتند و روشنفکرانی همچون میرزا عبدالرحیم طالبوف تبریزی از سلاح ادبیات و قلم و میرزا یوسف خان مستشارالدوله نیز با نوشتن رساله یک کلمه و تأکید بر کلمه قانون به عنوان کارآمدترین وسیله برای بیداری مردم استفاده نمودند در نهضت مشروطه نقش مهمی را ایفا نمودند. در این پژوهش ابتدا به زندگی نامه میرزا عبدالرحیم طالبوف تبریزی و میرزا یوسف خان مستشارالدوله و سپس به مقایسه نقش آنها در نهضت مشروطه پرداخته می‌شود.

زندگی نامه میرزا عبدالرحیم طالبوف تبریزی

یکی از برجسته ترین و مهمترین روشنفکران زمان قاجار و مشروطه میرزا عبدالرحیم طالبوف تبریزی است. (طالبوف، ۱۳۹۴: ص ۲) میرزا عبدالرحیم طالبوف تبریزی، معروف به طالبوف که بعدها خود را طالب زاده نامید، فرزند ابوطالب در سال ۱۲۵۵ ه.ق در تبریز به دنیا آمد و (طالبوف، بی تا: ۳) (آدمیت، ۱۳۶۳: ۴-۳) (طالبوف، ۱۳۹۴: ۱) (فشاهی، ۱۳۸۶: ۳۸۶) (آرین پور، ۱۳۷۶: ۱/۲۸۷) (ملایی و شادآرام، ۱۳۹۴: ۲۰۱۳) در سال ۱۳۲۹ ه.ق در تمرخان شورا، در داغستان، از دنیا رفت. (طالبوف، ۲۵۳۶: ۵) (قزوینی، ۱۳۲۷: ۸۶) (افشار، ۱۳۳۰: ۲۱۵) (رحمانیان، بی تا: ۱۰۲)

(اکبری، ۱۳۷۷: ۲۷) (جمالزاده، ۱۳۸۷: ۱۱۳)

زندگی نامه میرزا یوسف خان مستشارالدوله

میرزا یوسف خان مستشارالدوله فرزند حاجی میرزا کاظم از بازرگانان آذربایجان بود که در سال ۱۲۳۹ ه.ق در شهر تبریز به دنیا آمد. (آرین پور، ۱۳۵۱: ۲۸۱) مقدمات علوم و ادب فارسی و عربی را در زادگاهش فرا گرفت و سپس به عنوان منشی به خدمت کنسولگری انگلیس در تبریز در آمد و پس از آن از مستخدمین وزارت خارجه ایران شد، وی با خدمت در وزارت خارجه و مشاهده ی نظم و ترقیات فرنگستان و مقایسه ی آن با وضعیت حکومت قاجار در جسجوی این سوال بود که چرا سایر ملل به چنان ترقیات عظیمه ای رسیده اند و ما در چنین حالت کسالت و بی نظمی باقی مانده ایم. (مستشارالدوله، ۱۳۸۶: ۲۳) وی هرگونه ترقی، شکوفایی و آبادانی را عدل می دید و ویرانی حکومت قاجار برای او نشانه ی بی عدالتی بود. به نظر او بی عدالتی علت العلل دردها تبدیل شده و به تبع آن، قانونی که عدالت بتواند بر بنیان آن شکل بگیرد در کانون تفکر او قرار گرفت. (قرلسفلی و نوریان دهکردی، ۱۳۹۷: ۸۷) بعد از وزارت خارجه به مشاغل و مناصبی چون کنسول ایران در حاجی ترخان، کاردار ایران در سن پترزبورگ، ژنرال کنسول ایران در تغلیس، کاردار ایران در پاریس و مستشاری وزارت عدلیه در دوره ی وزارت میرزا حسین خان مشیرالدوله برگزیده و نائل شد. در این ماموریت ها با تمدن غربی و اندیشه های جدید آشنایی یافت (رحمانیان، ۱۳۸۸: ۸۴) و در نهایت میرزا یوسف خان مستشارالدوله در سال ۱۳۱۳ ه.ق از دنیا رفت.

مقایسه نقش میرزا عبدالرحیم طالبوف تبریزی و میرزا یوسف خان مستشارالدوله در نهضت مشروطه

دو نفر از روشنفکران و متفکرانی که در دوره قاجاریه در بیداری مردم و در نهایت در نهضت مشروطه نقش قابل ملاحظه ای ایفا نمودند، میرزا عبدالرحیم طالبوف تبریزی و میرزا یوسف خان مستشارالدوله بودند که در اینجا به تفاوت نقش آنها در نهضت مشروطه پرداخته می شود. میرزا عبدالرحیم طالبوف تبریزی با استفاده از سلاح ادبیات و قلم، به عنوان کارآمدترین وسیله برای بیداری مردم کوشید تا آنان را به معایب حکومت استبدادی و لزوم ایجاد حکومت مشروطه آگاه نماید. (فلاح و جعفری، ۱۳۸۶: ۵۷) وی در مورد بیداری ملل مشرق زمین و به خصوص کشورهای اسلامی به نوعی پان اسلامیسم معتقد بود (فشاهی، ۱۳۵۴: ۴۰۵) (فلاح و جعفری، ۱۳۸۶: ۷۰-۶۹)

و در نهایت به یکی از پویندگان راه آزادی و نجات مردم از چنگ استبداد تبدیل شد. (راوندی، ۱۳۶۹: ۲۷۴) (یزدانی و بوچانی، ۱۳۹۱: ۱۳۷) در حالی که میرزا یوسف خان مستشارالدوله با استفاده از کلمه قانون و اندیشه‌ی قانون‌گرایی به دنبال ایجاد مبنایی مستحکم برای ایجاد حکومت قانون در ایران عصر قاجار بود و هدفش از ایجاد حکومت قانون، تحدید قدرت دولت از طریق آن است و بعد از آن می‌خواهد که در نظام خودکامه‌ای که دست تعدی حاکمان را هیچ حد و مرز قانونی‌ای کوتاه نمی‌کند را کوتاه نماید. (قرلسفلی و نوریان دهکردی، ۱۳۹۷: ۸۹-۸۸)

میرزا عبدالرحیم طالبوف تبریزی با استفاده از تجدد خواهی سهمی عمده در فراهم نمودن زمینه‌های نهضت مشروطه ایران داشت. نوشته‌های ساده و روان او در این زمینه، (طالبوف، ۲۵۳۶: ۵) خوانندگان فراوان داشت. وی از نمایندگان برجسته‌ی تجدد ادبی به شمار می‌آید و کمتر نوشته‌ای در باره‌ی تجدد سیاسی و ادبی ایران در آستانه نهضت مشروطه هست که از ذکر آثار و نوشته‌های او خالی باشد. (رحمانیان، بی تا: ۱۰۲) وی بدون هر گونه هراسی، صریح‌ترین انتقادهای را به جامعه و طرز حکومت و نظام آموزشی عصر ناصری نمود. (شجری قاسم خیلی، ۱۳۸۷: ۷۶) ولی میرزا یوسف خان مستشارالدوله نخستین کسی بود که با نگارش رساله‌ای در باب حقوق جدید، مبنای حقوق جدید را به ایران وارد و با ملاحظات‌ی که درباره‌ی این مبنای داشت، راه نوینی در اندیشه‌ی قانون‌گرایی در ایران باز نمود. وی به عنوان یک کارگزار تجددخواه، که با جریان روشنفکری نیز دارای پیوندهای نزدیکی بود، به خوبی به فقدان نظام حقوق عمومی برای برپایی نظام حکومتی بر مبنای قانون، پی برده بود و در عین اعتقاد به امکان برقراری عدالت در چارچوب احکام شرع، نارسایی‌هایی را که نظام حقوقی موجود برای پر کردن این کمبود داشت، به درستی دریافته بود. این موضوع در اندیشه‌ی علمای مشروطه خواه دیده می‌شود، آنها در بعد اول با میرزا یوسف خان مستشارالدوله هم داستان بودند و به کمبود یک دستگاه حقوق عمومی مبنای اداره‌ی حکومت پی برده بودند. (ازغندی و عامری گلستانی، ۱۳۸۹: ۲۹-۳۰) از این دیدگاه بود که او به نگارش یک کلمه همت نموده و از دو دیدگاه مبنای حقوق جدید و مبنای حقوق شرع برای ایجاد مبنای یک کلمه‌ی قانون استفاده نموده بود. او مبنای اندیشه‌ی قانونخواهی‌اش را به صورت مشخص، در رساله‌ی یک کلمه ارائه و (ازغندی و عامری گلستانی، ۱۳۸۹: ۳۰) مبنای اندیشه‌ی قانونخواهی مستشارالدوله، بخش اصلی تفکر قانونخواهی را در نهضت مشروطه خواهی تشکیل داد. (ازغندی و عامری گلستانی، ۱۳۸۹: ۶۰) این طرز تفکر و اندیشه که بر

ضرورت پیروی از آیین برتر از اراده و هوس افراد و مبتنی بر تعقل و مصلحت تکیه می‌کرد، منطقی و معقول بود ولی جزء دیگرش که لیبرالیسم را درمان همه دردهای سیاسی و اجتماعی و اخلاقی ایران وانمود کرد، گزافه‌گویانه بود. (عنایت، ۱۳۶۳: ۱۵۴) نگارش‌های ساده و عوام پسند، (طالبوف، ۲۵۳۶: ۵) (دولت آبادی، ۱۳۶۱: ۳/۱۱۵) (شجری قاسم خیلی، ۱۳۸۷: ۷۶) تالیفاتی مثل سیاست نامه ابراهیم بیگ، (کسروی، ۱۳۶۳: ۴۷-۴۴) (شجری قاسم خیلی، ۱۳۸۷: ۷۶) (یزدانی و بوچانی، ۱۳۹۱: ۱۳۶) تاثیر اشعار او، که جزو چکامه‌های وطنی بود (شجری قاسم خیلی، ۱۳۸۷: ۷۶) و مندرجات آثار او در روشن نمودن مردم و تهییج آن‌ها و تشویق روشنفکران کمک بسیاری نمود و اینها خود موجب شد بعضی آثار او را در راه بیداری ایرانیان، القبای آزادی بنامند. (ملک زاده، ۱۳۶۳: ۱۹۱-۱/۱۹۰) (یوسفی، ۱۳۷۲: ۲/۷۹) (شجری قاسم خیلی، ۱۳۸۷: ۷۶) وی از رهبران فکری مشروطه غربی (ملک زاده، ۱۳۶۳: ۱/۱۹۱) و از اندیشمندانی بود که با آثار و نوشته‌هایش نقش زیادی در ترویج مشروطه خواهی و بیداری جامعه ایرانی (شادآرام و ملایی، ۱۳۹۴: ۲۰۱۳) و نشر عقاید و افکار روشنگرانه در جامعه ایفا نمود. (یوسفی، ۱۳۷۲: ۲/۷۶)

میرزا یوسف خان مستشار الدوله به روح قانون اشاره می‌نماید و می‌گوید: روح قانون، همان حقوق انسانی ای است که هیچ دولتی حق تعدی و تعرض به آن‌ها را ندارد. در این جاست که روح قانون او می‌تواند پیامدهای سیاسی مهمی داشته باشد و خواب خودکامگان را آشفته نماید، زیرا بحث حقوقی او، از علم اداره‌ی شهری فراتر می‌رود، شالوده‌ی روابط شاهان مستبد را با رعیت به مخاطره می‌اندازد و می‌تواند تیشه‌ای بر ریشه‌ی درخت شوم استبداد باشد. (قزلسفلی و نوریان دهکردی، ۱۳۹۷: ۸۹) وی، از دو دیدگاه مبانی حقوق جدید و مبانی حقوق شرع برای ایجاد مبانی یک کلمه‌ی قانون استفاده کرده بود و از این رو در شناخت اندیشه‌ی قانون خواهی در عصر قاجار، فهم اندیشه‌ی میرزا یوسف خان مستشار الدوله و مهمتر از آن مبانی این تفکر حائز اهمیت است. (ازغندی و عامری گلستانی، ۱۳۸۹: ۲۸)

عبدالرحیم طالبوف تبریزی یکی از دعوتگران وطن خواهی در ایران و نویسنده‌ی اجتماعی که آثارش در ادبیات وطنی عصر مشروطه مقامی خاص دارد. (یوسفی، ۱۳۷۲: ۲/۷۶) هر چند او سال‌های زیادی از عمرش را دور از وطن گذرانده است اما این مساله ذره‌ای از وطن خواهی اش نکاسته است. الفاظ، ملیت، ملت خواهی، ترقی ملتی، منافع ملی، حب وطن از اصطلاحات متعارف بلکه ورد زبان اومی باشند. (آدمیت، ۱۳۶۳: ۹۱) (حیدری و صیدی، ۱۳۹۲: ۱۹۸) او در

آستانه نهضت مشروطه به تهران آمد و سرانجام پس از پیروزی نهضت مشروطه از طرف مردم تبریز به نمایندگی مجلس شورای ملی برگزیده شد، (ملک زاده، ۱۳۶۳: ص ۱/۱۹۱) اما نمایندگی مجلس را نپذیرفت و به ایران بازنگشت. (کسروی، ۱۳۶۳: ص ۲۳۱) (افشار، ۱۳۶۱: ص ۲۶) (شجری قاسم خیلی، ۱۳۸۷: ص ۷۷) (کسروی، ۱۳۶۳: ص ۲۳۱) (زرگری نژاد، ۱۳۷۴: صص ۱۷۹-۱۸۰) (کسروی، ۱۳۵۴: ص ۲۳۱) (شجری قاسم خیلی، ۱۳۸۷: ص ۷۶) میرزا یوسف خان مستشارالدوله در تاریخ نشر اندیشه آزادی در ایران مقام ارجمندی دارد. او اصول افکار سیاسی خود را در رساله یک کلمه، که در سال ۱۲۸۷ ه. ق در پاریس نوشته، بیان نموده است. وی در رساله یک کلمه عنوان و معنی حقوق اساسی و فرد و معانی حکومت ملی را برای هموطنان خود تشریح کرد و شاید او اول کسی است در ایران که اراده ملت را منشاء قدرت دانسته و از تفکیک قدرت دولت و برابری اتباع مسلم و غیرمسلم از نظر حقوق اساسی سخن رانده و حتی پیش از میرزاملکم خان گفته که شاه و گدا در برابر قانون مساوی هستند. (مستشارالدوله تبریزی، ۱۳۸۲: صص ۱۴-۱۳) رساله یک کلمه یکی از اولین آثار آزادیخواهان ایران به شمار می رود و در تحریک احساسات و بیدار کردن مردم در آن زمان نفوذ فوق العاده داشته است و در سال ۱۳۲۳ ه. ق که انجمن مخفی تشکیل گردید، این کتاب راهنمای سیاسی آن انجمن بود. (ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۵۷: ص ۱۸۵) رساله «یک کلمه» (قانون) بسیار پرخواننده بود و در ذهن و اندیشه ی مشروطه خواهان ایران تاثیر فراوان نهاد. (ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۵۷: صص ۱۷۷-۱۶۹) (مستشارالدوله تبریزی، ۱۳۸۲: صص ۱۴-۱۳) (آدمیت، ۱۳۴۰: صص ۱۹۸-۱۸۲) (حائری، ۱۳۶۴: صص ۴۰-۳۲) (رحمانیان، ۱۳۸۲: صص ۱۱۳-۱۰۶) (رحمانیان، ۱۳۸۸: ص ۸۶)

میرزا عبدالرحیم طالبوف به علل عقب ماندگی ایران دوره قاجار توجه داشت و از ضرورت قانون، همان طور که میرزا یوسف خان مستشارالدوله به شکلی دیگر مطرح نمود یعنی یک کلمه، (طالبوف، ۱۳۴۶: ص ۱۲۷) تجدد و اصلاحات دفاع می کرد. منتقد حکومت استبدادی و خواهان آزادی، برابری و قانون بود. (همان: صص ۱۲۸-۱۲۷) او راه نجات بحران و پاسخ به بحران نظام پادشاهی را در ایجاد حکومت قانون می دید و حکومت مطلقه استبدادی را بدترین نوع حکومت و طرفدار نظام مشروطه پادشاهی پارلمانی بود که براساس آن جامعه را اداره کند. (جمالزاده، ۱۳۸۷: ص ۱۴۲) عقیده به نقد، محور اصلی گفتمان میرزا عبدالرحیم طالبوف را شکل می داد که در کتاب «احمد» بر آن تأکید نموده است. (طالبوف، ۱۳۳۶: ص ۲)

شکل‌گیری گفتمان مشروطه‌خواهی در زمان قاجار تا حد زیادی مدیون گزاره‌های مهمی است که میرزا یوسف خان مستشارالدوله مطرح نمود و آن را برای اولین بار بسط داد و علمای مشروطه خواه نیز با گرفتن ایده‌های او به صورت جدی به موضوع حکومت قانون و مشروطیت پرداختند. از آرزوهای بزرگ میرزا یوسف خان مستشار الدوله تأسیس راه‌آهن در ایران بود و چنان می‌پنداشت که تمهید مقدمات جمیع ملزومات مملکتی و دولتی، ابتدا راه‌آهن است و با ایجاد آن اوضاع ایران در عرض سه سال به کل منقلب و در یک کلمه، ایران گلستان خواهد شد. به همین انگیزه رساله‌ای به نام کتابچه بنفش درباره تأسیس راه‌آهن سراسری ایران نوشت و به شاه عرضه داشت. جزوه دیگری در لزوم کشیدن راه‌آهن از تهران به خراسان تهیه کرد و منافع آن را ذکر نمود. بنابراین می‌توان گفت که از بزرگترین راه‌حل‌های میرزا یوسف خان مستشارالدوله برای نجات جامعه ایران، تأسیس راه‌آهن و اجرای قانون بود. (آرین‌پور، ۱۳۵۱: ص ۲۸۲)

میرزا عبدالرحیم طالبوف تبریزی یکی از رهبران فکری تاریخ مشروطیت بود که دارای چندین جلد کتاب از جمله سفینه طالبی یا کتاب احمد، نخبه سپهری یا تاریخ نبوی، مسالک المحسنین، ترجمه پندنامه مارکوس و ترجمه هیئت فلاماریون، سیاست طالبی، ایضاحات در خصوص آزادی، مسائل الحیات می باشد که دو کتاب اخیر او یعنی ایضاحات در خصوص آزادی و مسائل الحیات، بیانگر اندیشه‌های سیاسی اوست. (آدمیت، ۱۳۶۳: صص ۴-۳) مهمترین ویژگی‌های اندیشه سیاسی او عبارتند از: ۱- عقلانیت سیاسی و اصالت تجربه-۲- حقوق فردی و اجتماعی و حق رای اکثریت-۳- سوسیال دموکراسی، نظام سیاسی مطلوب-۴- نفی حکومت پادشاهی مطلقه و تبیین نظام‌های مشروطه جمهوری-۵- تأکید بر حکومت قانون-۶- تأکید بر آزادی-۷- وطن دوستی و ملی گرایی-۸- تأکید بر اخذ علم از تمدن غربی-۹- نوگرایی با حفظ ارزش‌های دینی جامعه و پرهیز از خرافه‌گویی. (جمالزاده، ۱۳۸۷: صص ۱۲۵ تا ۱۳۹) میرزا عبدالرحیم طالبوف از طرفداران و مروجان مشروطه غربی بود و در میان کشورهای غربی به انگلیس ارادت خاصی داشت و مشروطه انگلیسی را جقه‌ی تاج افتخار ملت و قوانین مشروطه‌ی کشورهای دیگر را رنگ و بویی از گل و طراوت گلستان غیرت انگلستان می‌نامید. (طالبوف، ۱۳۹۴: ص ۱۹۱) در کتاب مسالک المحسنین، هدف وی از تأکید بر لزوم اقتباس از نوآوری‌ها و پیشرفت‌های غرب، رسیدن به پیشرفت و ترقی و قدرت ایران برای مقابله با سلطه استعمارگران غربی و حفظ مذهب و استقلال ایران است. (طالبوف، بی تا: صص ۴۷-۴۶) او با اشاره به ضعف و عقب ماندگی ایران در دوره قاجار و

اهمیت و ضرورت برخورداری ایران و ایرانیان از تکنولوژی پیشرفته غربی چون تلگراف، تلفن و راه آهن و استفاده از آنها تاکید نموده (طالبوف، بی تا: صص ۴۹) و گفته که باید «در ایران کارخانه بسازیم، از فرنگیان اوستاد چیت ساز و ماهوت ساز و مکانیک بیاوریم، وقتی که خودمان یاد گرفتیم آنها را یعنی خارجه را بیرون بکنیم» (طالبوف، بی تا: صص ۴۹) این سخن او اشاره به اقدامی می نماید که ژاپنی ها در مورد کشورشان انجام دادند. دقت در دیدگاه میرزا عبدالرحیم طالبوف در این باره به روشنی نشان می دهد که وی ضمن آگاهی به اهمیت و ضرورت برخورداری ایران و ایرانیان از تکنولوژی جدید و لزوم استفاده از دستاوردهای علمی و فنی غرب، به هیچ روی خواهان وابستگی ایران به غرب نبوده است. او خواهان استفاده از تکنولوژی و دانش و کارشناسان غربی برای پیشرفت و توسعه اقتصادی ایران تا رسیدن به مرحله خودکفایی ایران بود. (طالبوف، بی تا: صص ۱۴۳-۱۴۴) میرزا عبدالرحیم طالبوف آشکارا با تقلید از غرب و آنچه که غربزدگی نامیده شده است، کاملاً مخالف بود. به نوشته او: «هر ایرانی که وطن خود را مثل بلاد اروپا بخواهد... در اعمال و اقوال تقلید آنها را نماید... دشمن دین و وطن خود است...» (طالبوف، بی تا: صص ۴۲ و ۴۳) و نیز او از آن گروه از تحصیلکردگان ایرانی که در خارج از کشور، از فرهنگ و تمدن اروپایی، تنها باده نوشی و خوردن گوشت خوک را آموخته اند، سخت انتقاد نمود (طالبوف، بی تا: صص ۱۱۱) و در نقد فرنگی مآبی چنین نوشت: «آنها که از فرنگستان برگشتند جز چند نفر همه در ایران فرنگی مآبی و نشر اراحیف و تقبیح رسوم و عواید اجدادی نمودند، مردم را اسباب تنفر از علم و معلومات شدند.» (طالبوف، بی تا: صص ۱۱۰) میرزا عبدالرحیم طالبوف تبریزی نوگرا و آزادیخواه و دانش پژوه بود. هدف اساسی او در نوشته هایش بیداری ایرانیان و آشنا ساختن آنان با دنیای نو بود. برای میرزا عبدالرحیم طالبوف، دانش ارزش و اجری ویژه داشت. او تکامل و نیکبختی انسان را در دستیابی به دانش و فناوری نو می دانست، به همین سبب به فکر باز نمودن یا تأسیس مدرسه در سال ۱۳۱۹ ه. ق. با یاری ملک المتکلمین در بادکوبه افتاد. میرزا عبدالرحیم طالبوف تنها راه حل مبارزه با معضلات جامعه را در آگاه ساختن مردم یافت. به همین سبب سلاح نیرومندش را به کار گرفت و با نگارش ساده و شیوای خود، الفبای آزادی را برای مردم ایران به ارمغان آورد. آثارش خیل عظیمی از روشنفکران و کسانی که طالب رهایی جامعه ایرانی از جهل و غفلت بودند را به خود جلب نمود. میرزا عبدالرحیم طالبوف آنان را به تحقیق و تفحص بیشتر و تالیف و ترجمه آثار علمی و رمان های تاریخی و هنرهای زیبا فراخواند. در نتیجه تلاش های او و

سایر کوشندگان در راه روشنگری زمینه‌ی مساعد برای وقوع نهضت مشروطه فراهم آمد. او در صدد برآمد تا در همه‌ی آثارش افکار عمومی را به تعمق و اندیشه وا دارد. او با پرداختن به علوم جدید و توجه به نکات جامع و باریک فلسفه و سیاست، با موهوم پرستی، بی‌سوادی و مکر و حيله به مقابله پرداخت و به حق از پیشاهنگان دموکراسی و مشروطیت در ایران گردید. عده‌ای تاثیر طالبوف را بر نهضت مشروطیت ایران همانند تاثیر مونتسکیو و ژان ژاک روسو و ولتر در انقلاب فرانسه می‌دانند. (رضوانی، ۱۳۵۲: ص ۴۸) (طباطبائی مجد، مجتهدی، ۱۳۷۹: ص ۲۲۷) مورخان برجسته شوروی نقش میرزا عبدالرحیم طالبوف را همراه با میرزا فتحعلی آخوندزاده و زین العابدین مراغه‌ای در بیداری احساسات ملی مردم سرتاسر ایران موثر خوانده‌اند. به عقیده آنها آثار این سه روشنفکر آذربایجانی که حاوی اندیشه‌های دموکراتیک بوده، به میزان گسترده‌ای در میان روشنفکران شهرت داشت. (گرانوسکی و همکاران، ۱۳۵۹: ص ۲۷۲) میرزا عبدالرحیم طالبوف برای تغییر نظام استبدادی قاجارها، رژیم مشروطه را به اقتباس از رژیم مشروطه در انگلیس، فرانسه و ژاپن توصیه نمود. وی در مجموعه آثار خود به نقش پارلمان و قانون اساسی که حقوق قانونی پادشاه و اتباع کشور را تعیین و مشخص می‌سازد، تاکید نمود و از حق حاکمیت ملت و از مساوات و آزادی افراد در برابر قانون سخن گفت و تصریح نمود که قدرت دولت ناشی از قدرت ملت است. (طالبوف، ۱۳۹۴: صص ۱۹۰-۱۹۱-۱۹۲) نکته دیگری که می‌توان به آن اشاره نمود، تاکید میرزا عبدالرحیم طالبوف تبریزی بر کلمه «قانون» برای بیداری ایرانیان در دوره قاجار است که در این جا به این موضوع یعنی اهمیت قانون از دیدگاه میرزا عبدالرحیم طالبوف تبریزی پرداخته می‌شود. در مورد اهمیت قانون از نظر وی می‌توان گفت که یکی از مهمترین و کلیدی ترین مفاهیم در اندیشه اش مفهوم قانون است، تا جایی که وی را یکی از روشنفکران و قانون گرایان عصر قاجار می‌دانند. (ازغندی و عامری گلستانی، ۱۳۸۹: ص ۳۳) او در نوشته هایش به قانون اساسی و قانون توجه دارد و در این باره تحت تأثیر میرزا ملکم خان نیز قرار دارد. او قانون را عبارت از احکام اداره‌ی دولتی می‌داند. ولی قانون اساسی را قوانینی می‌داند که در آن حقوق پادشاه و رعیت معین می‌باشد (طالبوف، ۱۳۵۷: ص ۱۲۰) (ازغندی و عامری گلستانی، ۱۳۸۹: ص ۳۳) در جای دیگر قانون را فصول مرتب احکام مشخص حقوق و حدود مدنی سیاسی متعلق به فرد و جماعت و نوع تعریف می‌کند که به واسطه‌ی این قانون هر کس (ازغندی و عامری گلستانی، ۱۳۸۹: ص ۳۳) کاملاً از مال و جان خود مطمئن و از حرکات

خلاف خود مسؤول بالسویه باشد. (ازغندی و عامری گلستانی، ۱۳۸۹: ص ۳۴) (طالبوف، ۱۳۴۷: ص ۹۴) او در بحث قانون صرفاً به ظاهر قانون و ترتیبات آن نظر ندارد و سخن را در معنی و روح قانون می‌داند که هنگامی این روح بر قانون حاکم می‌شود که وضع آن توسط ملت برای مصالح امور خود انجام گیرد، او قانونی را که دولت برای ملت بنویسد، تنظیمات می‌داند نه قانون. (ازغندی و عامری گلستانی، ۱۳۸۹: ص ۳۴) (طالبوف، ۱۳۵۷: ص ۷۴) نظیر این سخن در اندیشه‌ی قانون‌خواهی مستشارالدوله نیز آمده است، که او نیز به دنبال ایجاد روح‌ی برای قانون و حقوق جدید با توجه به ملاحظات کتاب شریعت بود، تا آنکه در پی قانون‌نویسی تنظیمات گونه باشد. طالبوف، که تحت تأثیر میرزا ملکم خان، قانون را علاج همه‌ی دردها و مصایب ایران می‌داند، در فقره‌ی زیر به این مسأله به خوبی اشاره می‌نماید: اگر ایرانی بخواهد بداند که چرا اقدامات وطن پرستان از پیش نمی‌رود، چرا درخت ترقی ما نروییده خشک می‌شود؛ چرا بشارت‌های جراید ما بعد از دو روز، مبدل به یأس و سوء جسارت می‌گردد؛ چرا احکام اکید دولت روز دیگر، فراموش یا اجراش پنبه در گوش می‌ماند؛ چرا پاسخ احکام در صراف خانه‌ی خائنان دولت از بانک نوت‌های انگلستان بیشتر در تداول است... به جهت آنکه خانه‌ای که در تزئینات او می‌کوشیم بی‌بنا و او هن البیوت است... و این بنا همان کلمه‌ی واحده‌ای است که او را قانون می‌گویند. (همان: صص ۱۵۱-۱۵۰) (ازغندی و عامری گلستانی، ۱۳۸۹: ص ۳۴) این نوشته‌ها گفته‌های مستشارالدوله را، در مقدمه‌ی یک کلمه به یاد می‌آورد. طالبوف قانون را یکی از اسباب و علل اصلی ترقی و پیشرفت در مغرب زمین می‌دانست. (طالبوف، ۱۳۴۷: ص ۹۴) (ازغندی و عامری گلستانی، ۱۳۸۹: ص ۳۴) و این مفروض برای او کافی بود تا آن را برای جامعه‌ی عقب مانده و استبدادزده‌ی ایران نیز لازم بداند. او وضع قانون را منحصر به دستگاهی می‌داند که در آنجا پادشاه و (ازغندی و عامری گلستانی، ۱۳۸۹: ص ۳۴) تبعه به صورت مشترک و متحد کار می‌کنند و این دستگاه را در جاهای مختلف با اسامی مختلف نام گذاری کرده، پارلمنت می‌گویند. (طالبوف، ۱۳۵۶: ص ۱۹۲) (ازغندی و عامری گلستانی، ۱۳۸۹: ص ۳۵) احمدکسروی در مورد میرزا عبدالرحیم طالبوف تبریزی می‌نویسد: «یک چیز دیگری که می‌باید از انگیزه‌های بیداری ایرانیان شمرد، کتاب‌های طالبوف می‌باشد، ارجح آن را کسانی می‌دانند که آن روزها خوانده‌اند و نکاتی را که در خواننده پدید می‌آورد بیاد می‌دارند.» (کسروی، ۱۳۶۳: صص ۴۵-۴۴) بحث درباره نظام پارلمانتیستی (طالبوف، ۲۵۳۶: ص ۱۹۲) با توجه به کارکرد احزاب سیاسی و معرفی احزاب

غرب از جمله کنسرواتور، لیبرال، سوسیال، سوسیال دموکرات، رادیکال و آنارشیزم در آثار او آمده و در آثار دیگر اندیشه گران ایران و روزگار پیش از مشروطه وجود ندارد. (آدمیت، ۱۳۶۳: صص ۴۴-۴۳) (رحمانیان، بی تا: ص ۱۰۴) توضیحات او درباره ی اقسام نظام های جمهوری، سلطنتی مشروطه و سلطنتی مطلقه و استبدادی به تناسب شرایط فکری روزگار قاجاریه ارزنده است. (طالبوف، ۱۳۹۴: ص ۱۸۹) (آدمیت، ۱۳۶۳: صص ۴۴-۴۳) (رحمانیان، بی تا: ص ۱۰۴) در نظام فکری میرزا عبدالرحیم طالبوف، از حق و منشا آن، رابطه حقوق فردی و اجتماعی سخن به میان آمده که نشان می دهد از نظم فکری و فلسفی منسجمی برخوردار و از دانش زمانه خویش آگاه بوده است. (همان: ص ۱۵۸) در مجموع اگر نوشته های سیاسی طالبوف را در نظام فکری مشخصی گنجانده شود، باید گفت که وجهه ی نظرش را دموکراسی اجتماعی می سازد. از این رو همان اندازه بر مقام و حقوق آزادی انسان و حاکمیت ملی، تأکیدی ورزد که بر حقوق مساوات اجتماعی تکیه می کند. آزادی باید «متحد یا مساوات» باشد، مساوات یعنی «برابری، بی تفاوتی و بی امتیازی» (طالبوف، ۱۳۴۶: صص ۹۳-۹۲) به نظر طالبوف «برابری عنصر اصلی آزادی است و بدون آن آزادی تصویری ناقص است و دیگر این که افراد در حقوق برابرند» (آدمیت، ۱۳۶۳: ص ۳۲) طالبوف نجات نوع بشر را در آزادی اندیشه و بیان می داند و معتقد است برای پیشرفت جامعه مردم باید آزادی بیان و عقیده داشته باشند. (حیدری و صیدی، ۱۳۹۲: ص ۱۹۳) ولی در مورد میرزا یوسف خان مستشارالدوله تبریزی می توان چنین گفت که رساله «یک کلمه» حاصل مطالعه وی در فکر و اندیشه و فرهنگ غرب بود که آن را در سال ۱۲۷۸ ه.ق در پاریس نوشت و مقصود از «یک کلمه»، قانون است. بعضی گفته اند که کتاب «یک کلمه» از ضمیر روشن او تراوش کرده است (ملک زاده، ۱۳۶۳: ص ۱۷۸) و بسیاری معتقدند که «یک کلمه» ترجمه قانون اساسی فرانسه بوده است که قول صحیح هم همین است. (آرین پور، ۱۳۵۱: ص ۲۸۲) رساله «یک کلمه» بزرگترین حادثه آن زمان تلقی شد و چاپ اول این رساله با استقبال فراوان محافل سری وطنی آزادیخواه ایران همراه بود. (فشاهی، ۱۳۵۴: صص ۴۲۹-۴۳۱) در مورد رساله یک کلمه یعنی قانون و اهمیت آن در بیداری ایرانیان دوره قاجار و به خصوص نهضت مشروطه می توان گفت که رساله ی یک کلمه، مبنایی نوین برای حقوق و قانونگذاری نوین در ایران و نیز از مهمترین پیش زمینه های حقوقی و فکری نهضت مشروطه خواهی بود، به نحوی که بسیاری از مضامینی که در یک کلمه آمده، به صورت محسوس در نوشته های مربوط به مشروطه خواهی، مورد توجه قرار گرفته بود.

(ازغندی و عامری گلستانی، ۱۳۸۹:ص ۳۹) به اعتقاد میرزا یوسف خان مستشارالدوله، تجدد، توسعه و اصلاح ایران در گرو یک کلمه است و آن وضع و اجرای قانون به سبک جدید و با اقتباس از غرب، ولی با تطبیق به وضع ایران و اسلام بود. نکته ی مهمی که باید در اندیشه ها، عملکرد و روش های میرزا یوسف خان، در توسعه ی تجددگرایی مورد توجه قرار داد، ارتباط با علمای دین و تهیه ی نظریه و فتوای شرعی مبنی بر نظر مساعد نسبت به برنامه های جدید توسعه و راه سازی و تأسیس راه آهن و... بود. (ازغندی و عامری گلستانی، ۱۳۸۹:ص ۳۹) رساله ی میرزا یوسف خان مبنایی برای عمل قانون خواهی وی نیز بود، به نحوی که در زمان خدمت در دستگاه عدلیه، بر همان مبنایی که در رساله ی یک کلمه برای حقوق جدید می آورد، به نگارش قوانینی همچون نخستین طرح قانون اساسی دست می زند. میرزا یوسف خان مستشارالدوله، در تنظیمات قانونی دوره صدراعظمی میرزا حسین خان سپهسالار سهم عمده ای داشته و در تدوین قوانین عدلیه دخالت مستقیم داشته و نخستین طرح رسمی قانون اساسی و نیز قانون عدالتخانه های ایران از او است. (آدمیت، ۱۳۵۱:صص ۱۷۴-۱۷۳) (ازغندی و عامری گلستانی، ۱۳۸۹:ص ۴۰) در این میان، آنچه که بیش از هر چیزی باید مورد توجه قرار گیرد، مبنای اندیشه ی قانون خواهی میرزا یوسف خان مستشارالدوله به عنوان یکی از مهمترین برداشت های حقوقی از تجدد و از اصلی ترین مبنای حکومت قانون در دوره ی قاجار، و شاید کل تاریخ جدید ایران است. (ازغندی و عامری گلستانی، ۱۳۸۹:ص ۴۰) از این رو در بررسی اندیشه ی قانونگرایی عصر قاجار و مقدمات نهضت مشروطه خواهی توجه به مبنای آن بیش از هر چیز مورد نیاز است، چرا که مبنایی که بر اساس آن اندیشه ی قانون خواهی و مشروطه خواهی شکل گرفت، بیش از روندها و جریانها نشانگر تبار اندیشه ی جدید در ایران است و در این میان، تفکرات قانون خواهانه ی میرزا یوسف خان که بیش از همه در رساله ی یک کلمه آمده است و به خاطر توجه به مبنای حقوق جدید و نیز در نظر گرفتن ملاحظات مبنای حقوق سنتی یا کتاب شرع حائز اهمیت فراوان است. از این رو، با توجه به مقدمه ی مهم او بر رساله اش، می توان، مبنای اندیشه ی قانون خواهی او و نیز روش کار را او در تبیین مبنای حقوق جدید، با توجه به مبنای قانون شرع و فقه درک نمود. (ازغندی و عامری گلستانی، ۱۳۸۹:ص ۴۱) اصول اصلی میرزا یوسف خان مستشارالدوله در رساله یک کلمه عبارتند از: مساوات در محاکمات در اجرای قانون، منصب و رتبه ی دولت برای هیچ کس ممنوع نیست، اگر اهل باشد، حریت شخصیه؛ یعنی هر کس حر و

آزاده است و کسی را مجال تعرض نیست مگر به حقوقی که در کود مذکور است، امنیت تامه بر نفس و عرض و مال مردم، مدافعه ی ظلم، هر کس را حق است، حریت مطایع؛ یعنی هر کس آزاد و مختار است در نگارش و طبع خیال خود به شرط آنکه مخالف و مضر احکام کود نباشد. اگر مخالف و مضر باشد، منع و ازاله ی ضرر واجب است، حریت عقد مجامع؛ یعنی جماعت حر و مختار است در اجتماع، اگر مذاکرات ایشان با کود، مخالف و مضر نباشد، اختیار و قبول عامه، اساس همه ی تدابیر حکومت است، حریت سیاسی، یعنی اهالی حق دارند در انتخاب وکلا و نواب برای دیوان (قوه ی مقننه) یعنی دیوان قانونگذار که در، مقابل دیوان دولت است، تعیین مالیات و باج بر حسب ثروت بلامتیاز، تحریر اصول دخل و خرج دولت، هر مأمور و حاکم، در تصرفش مسؤول است، قدرت تشریع و قدرت تنفیذ، بالفعل باید منقسم بشود، و در ید واحد نباشد، یعنی مجلس وضع قانون، جدا و مجلس اجرای قانون، جدا و مجلس اجرای قانون، جدا باشد و به هم مخلوط نباشد، عدم عزل اعضا از محکمه ها، حضور ژوری ها (هیأت منصفه) در حین تحقیق جنایات، تشهیر مفاوضات سیاسیه و حوادث جنائیه در روزنامه ی رسمیه، عدم شکنجه و تعذیب، حریت صنایع و کسب، بنای مکتبخانه ها برای اطفال و فقرا. جمله ی این فقرات، از مبانی اصلی اندیشه ی قانون خواهی میرزا یوسف خان مستشارالدوله است که با توجه به مقدماتی که در رساله ی یک کلمه می آورد، آن را می توان به عنوان اصلی ترین مقدمات فکری مشروطیت دانست. (ازغندی و عامری گلستانی، ۱۳۸۹: صص ۵۸-۵۷-۵۶) میرزا یوسف خان مستشارالدوله در دوره شدت استبداد ناصرالدین شاه، که ادای کلمه قانون گناه نابخشودنی بود، در دفاع از اصول آزادی و مساوات و سلطنت مشروطه بی پرده سخن می گفت و از بسط عدالت «تربیت ملت» افزودن بصیرت مردم، آسودگی و ترقی اوضاع مردم، ایجاد تأسیسات عالی، وضع قوانین جدید و برانداختن تأسیساتی که مانع اجرای عدالت باشد، سخن می راند. (کهن، ۱۳۶۳: ص ۱/۱۰۲) به واسطه انتشار کتاب «یک کلمه» در زندان قزوین زندانی شد. (ملک زاده، ۱۳۶۳: صص ۱۷۹-۱۷۸) حاج سیاح در کتاب خاطرات خود در فصلی که شرح تعدیات و شکنجه های وحشیانه مأموران ناصری را می دهد ذکری هم از میرزا یوسف خان مستشارالدوله می کند، (سیاح، ۱۳۴۶: ص ۱۵۵) (فشاهی، ۱۳۵۴: ص ۴۳۴) پس از آنکه نوشته های خصوصی او را به دست آوردند و همراه با رساله «یک کلمه» برای ناصرالدین شاه فرستادند، شاه حکم حبس او را صادر کرد و جیره و مواجیش قطع شد و در زمانی که میرزا یوسف خان

مستشارالدوله در سال ۱۳۰۶ ه. ق. کارگزار مهم خارج آذربایجان بود، توسط حسنعلی خان گروسی، پیشکار آن ایالت، نامه مفصلی به مظفرالدین میرزا نوشت و خواهش کرد که آن را از نظر شاه بگذرانند. وی در آن نامه از حکومت استبدادی و فساد دربار انتقاد و اصلاحات مملکتی و ایجاد حکومت قانون و برقراری آزادی و مساوات را خواستار شده و گوشزد کرده بود که اگر زمامداران ایران خود در صدد تأسیس دولت مقننه برنیایند، سیر حوادث تاریخ آن را بر ما تحمیل خواهد کرد. میرزا یوسف مستشارالدوله در این نامه می‌گوید: پس به عهده مأمورین سیاسی و مملکتی است که همیشه بر وفق مقتضای زمان و احتیاج زمان رفتار نموده، هفته‌ای یک روز به مفاد آیه کریمه «و مشاورهم فی الامر» (سوره آل عمران: ص ۱۵۹) به اتفاق یکدیگر از روی حقیقت در تصفیه امور دولت و ملت شور نمایند. زیرا از بدیهیات است که احکام خداوندی در هر دین واضح و آشکار است و حق آتایی است و علی‌السویه عالم را روشن و نورانی می‌کند و پوشیدن آن در میان هیچ ملت ممکن نیست. در پایان نامه می‌گوید که لابد و لاعلاج، دولت ایران در سخت‌ترین روزگار در عداد دول کنستیتوسیون (مشروطه و دارای قانون اساسی) برمی‌آید و به اقتضای ملک و مملکت و مناسبت وضع و طبایع، مواد قانون را مجری می‌نماید و نتیجه معتنابه حاصل می‌کند. (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۶۲: صص ۱۸۳-۱۸۲-۱۸۱) یکی از مهم‌ترین اهداف میرزا یوسف خان مستشارالدوله در نگارش یک کلمه و نیز در اندیشه قانون‌خواهی‌اش، بنا نهادن مبانی یکسان برای نظام حقوقی واحدی است که باید در آن روزگار ایجاد می‌شد و زمانی که از «کتاب قانون» سخن می‌گوید، آن را بیش از همه به عنوان مبنای واحدی برای ساختار حقوقی جامعه ایران در نظر داشت. یک کلمه بیش از همه چیز، بنیانگذار گفتمانی حقوقی و فکری با اجتهاد میان مبانی جدید و قدیم حقوقی بود که مقدمه مهمی برای تجددخواهی سیاسی در ایران محسوب می‌شد. مساله مهم در اندیشه قانون‌خواهی میرزا یوسف خان مستشارالدوله، تأثیر او بر جریان‌های مهم قانون‌خواهی در ایران بخصوص مشروطه‌خواهی بود. مهم‌ترین انگاره‌های مطرح شده در مشروطه‌خواهی، مباحثی بود که برای اولین بار توسط میرزا یوسف خان مستشارالدوله مطرح شده بود. می‌توان گفت که او یکی از مهم‌ترین کسانی است که مبانی مشروطه‌خواهی و حکومت قانون را در ایران ایجاد کرد. او با نگارش یک کلمه روح قانون‌خواهی، مقدمات حقوقی و قانون‌خواهی را به نحو بارزی در ایران گسترش داد و در مجموع می‌توان گفت که اندیشه میرزا یوسف خان مستشارالدوله در قانون‌خواهی، در شکل‌گیری یک گفتمان مهم و فراگیر در زمینه قانون‌خواهی

در ایران زمان قاجار موثر بود. (آرین پور، ۱۳۵۱: ص ۲۸۲)

نتیجه گیری

با توجه به آن چه گذشت می توان گفت که یکی از متفکرانی که در دوره قاجاریه در بیداری مردم و در نهایت در نهضت مشروطه نقش قابل ملاحظه ای ایفا نمود، میرزا عبدالرحیم طالبوف تبریزی بود. وی از سلاح قلم، ادبیات، اشعار و نوشته های ساده و روان به عنوان کارآمدترین وسیله برای بیداری مردم استفاده و کوشید آنان را به معایب حکومت استبدادی و لزوم ایجاد حکومت مشروطه آگاه نماید. برخی مورخین تالیفات او را یکی از عوامل بیداری ایرانیان برمی شمارند و می گویند مندرجات آثار او نقل مجالس ایرانیان شده و در روشن نمودن مردم، آشنا ساختن آنان با دنیای نو، تهییج آنان و تشویق روشنفکران کمک بسیاری نموده تا جایی که آثار او را در راه بیداری ایرانیان، الفبای آزادی نامیده اند. وی بدون هر گونه هراسی، صریح ترین انتقادهای را به جامعه و طرز حکومت و نظام آموزشی عصر ناصری نمود. سلاح دیگری که میرزا عبدالرحیم طالبوف تبریزی برای بیداری ایرانیان در دوره قاجار به کار برد، تاکید بر کلمه قانون بود. وی در نوشته هایش به قانون اساسی و قانون توجه دارد و در این باره تحت تأثیر میرزا ملکم خان نیز قرار دارد و قانون را عبارت از احکام اداره ی دولتی می داند. ولی قانون اساسی را قوانینی می داند که در آن حقوق پادشاه و رعیت معین می باشد. اما میرزا یوسف خان مستشار الدوله، اندیشه ی قانون خواهی، مبانی مشروطه خواهی و ایجاد حکومت قانون را در عصر قاجار و در نهضت مشروطه خواهی ارائه داد. هدف وی از ایجاد حکومت قانون، تحدید قدرت دولت از طریق آن بود و بعد از آن می خواست که در نظام خودکامه ای که دست تعدی حاکمان را هیچ حد و مرز قانونی ای کوتاه نمی کند را کوتاه نماید. وی در تاریخ نشر اندیشه آزادی در ایران مقام ارجمندی دارد و شاید او اول کسی است در ایران که اراده ملت را منشاء قدرت دانسته و از تفکیک قدرت دولت و برابری اتباع مسلم و غیرمسلم از نظر حقوق اساسی سخن رانده است. او با نوشتن رساله یک کلمه در تحریک احساسات و بیدار کردن مردم و کمک به نهضت مشروطه در آن زمان نفوذ فوق العاده داشته است تا جایی که این رساله در ادامه راهنمای انجمن مخفی شد. در مورد رساله یک کلمه یعنی قانون و اهمیت آن در بیداری ایرانیان دوره قاجار و به خصوص نهضت مشروطه می توان گفت که رساله ی یک کلمه، مبنایی نوین برای حقوق و قانونگذاری نوین در ایران و نیز از مهمترین و اصلی ترین مقدمات فکری و پیش زمینه های حقوقی و فکری نهضت مشروطه خواهی در آن زمان بود.

منابع

قرآن کریم.

- آدمیت، فریدون (۱۳۶۳). اندیشه‌های طالبوف تبریزی، چاپ دوم تهران: نشر دماوند.
- آدمیت، فریدون (۱۳۴۰). فکرازادی و مقدمه نهضت مشروطیت، تهران: سخن.
- آرین پور، یحیی (۱۳۷۶). از نینما تا روزگار ما، تهران: زوار.
- آرین پور، یحیی (۱۳۵۱). از صبا تا نینما، تهران: ناشر فرانکلین.
- حائری، عبدالهادی (۱۳۶۴). تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، چاپ دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- دولت آبادی، یحیی (۱۳۶۱). حیات یحیی، جلد دوم، تهران: انتشارات فردوس.
- راوندی، مرتضی (۱۳۶۹). سیر فرهنگ و تاریخ تعلیم و تربیت در ایران و اروپا، رشت: هدایت.
- رحمانیان، داریوش (۱۳۸۸). تاریخ تفکرسیاسی در دوره قاجاریه، تهران: دانشگاه پیام نور.
- رضوانی، محمداسماعیل (۱۳۵۲). انقلاب مشروطیت ایران، چاپ دوم، تهران: ابن سینا.
- سیاح، میرزا محمد علی محلاتی (۱۳۴۶). خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت، به کوشش حمید سیاح، به تصحیح سیف الله گلکار، بی جا: ابن سینا.
- طالبوف، عبدالرحیم بن ابوطالب (۱۳۹۴). کتاب احمد یا مسائل الحیات، تهران: شیرازه.
- طالبوف، عبدالرحیم (بی تا). مسالک المحسنین، به همت محمد رمضان، تهران: چاپخانه کلاله خاور.
- طالبوف، عبدالرحیم (۱۳۳۶). کتاب احمد یا سفینه طالبی، بی جا: انتشارات گام.
- طالبوف، عبدالرحیم (۱۳۵۷). آزادی و سیاست، به کوشش ایرج افشار، تهران: نشر سحر.
- طباطبائی مجد، غلامرضا؛ مجتهدی، مهدی (۱۳۷۹). رجال آذربایجان در زمان مشروطیت، تهران: زرین.
- عنایت، حمید (۱۳۶۳). یادنامه استاد شهید مطهری، چاپ اول، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- فشاهی، محمدرضا (۱۳۵۴). تحولات فکری و اجتماعی در جامعه فئودالی ایران، تهران: گوتنبرگ.
- فشاهی، محمدرضا (۱۳۸۶). از گاتها تا مشروطیت: گزارشی از تحولات فکری و اجتماعی در جامعه فئودالی ایران، تهران: گوتنبرگ.
- کسروی، احمد (۱۳۶۳). تاریخ مشروطه ایران، جلد اول، چاپ شانزدهم، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
- کهن، گوئل (۱۳۶۳). تاریخ سانسور در مطبوعات ایران، جلد دوم، تهران: انتشارات آگاه.

گراتوسکی و همکاران (۱۳۵۹). تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز، ترجمه کیخسرو کشاورزی، تهران: پویش.

مستشارالدوله تبریزی، میرزا یوسف (۱۳۸۲). رساله «یک کلمه»، به کوشش سید محمد صادق فیض، چاپ اول، تهران: انتشارات صباح.

ملک زاده، مهدی (۱۳۶۳). تاریخ مشروطیت ایران، چاپ دوم، تهران: علمی.
ناظم الاسلام کرمانی، محمدبن علی (۱۳۵۷). تاریخ بیداری ایرانیان، به اهتمام علی اکبر سعیدی سیرجانی، چاپ دوم، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

یوسفی، غلامحسین (۱۳۷۲). دیداری با اهل قلم، جلد دوم، چاپ چهارم، تهران: انتشارات علمی.
ازغندی، علیرضا و عامری گلستانی، حامد (۱۳۸۹). مبانی اندیشه ی قانون گرایی میرزا یوسف خان مستشارالدوله، تحقیقات سیاسی و بین المللی، ۲ (۴)، ۶۲-۲۷.

اکبری، محمدعلی (۱۳۷۷). میرزا عبدالرحیم طالبوف، راه نو، ۱ (۱۳)، ۲۷-۲۷.
جمالزاده، ناصر (۱۳۸۷). ویژگی های تاریخی و جامعه شناختی اندیشه ی سیاسی طالبوف تبریزی، پژوهشنامه علوم سیاسی، ۱ (۱۳)، ۱۰۹-۱۴۸.

حیدری، فاطمه؛ صیدی، فاطمه (۱۳۹۲). سبک شناسی ساختاری دو اثر طالبوف (احمد- مسالک المحسنین)، ۵ (۱۶)، ۲۰۲-۱۷۷.

رحمانیان، داریوش (بی تا). طالبوف؛ غرب و تجدد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ۲ (۵۸)، ۱۰۱-۱۲۱.

زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۷۴). نگاهی به اندیشه های سیاسی طالبوف تبریزی، فرهنگ توسعه، ۴ (۱۹)، ۵-۱.

شادآرام و ملایی؛ صدیقه و علیرضا، بهمن (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی کتاب احمد اثر طالبوف تبریزی و امیل ژان ژاک روسو از منظر ادبی، آموزشی و میزان تأثیرپذیری کتاب احمد از امیل، هشتمین همایش پژوهشهای زبان و ادبیات فارسی، ۲۰۱۲-۲۰۲۴.

شجری، قاسم؛ خیلی، رضا (۱۳۸۷). تولد طالبوف و وکالت او بر پایه ی اسناد، گنجینه اسناد، ۷۰، ۸۵-۷۰.

فلاح، مرتضی؛ جعفری، لیلا (۱۳۸۶). دیدگاه طالبوف درباره دو رویه تمدن بورژوازی غرب، زبان و ادبیات علوم انسانی، ۱۵ (۹)، ۷۲-۵۵.

قرلسفلی و نوریان دهکردی؛ محمدتقی و نگین (۱۳۹۷). اندیشه دولت گرایی و ضد دولت گرایی در عصر مشروطه؛ باز خوانی سه اندیشه، پژوهشنامه علوم سیاسی، ۳(۱۳)، ۷۳-۱۰۲.

قزوینی، محمد؛ (۱۳۲۵). وفیات المعاصرین، یادگار ۴(۱۵)، ۷-۲۱.

یزدانی و بوچانی؛ سهراب و ابراهیم (۱۳۹۱). کندوکاوی بر اندیشه های آموزشی طالبوف تبریزی، جستارهای تاریخی، ۳(۱)، ۱۳۵-۱۵۰.